

حکومت که با استفاده از مناصب خویش از حوزهٔ مأموریت خود ملک می‌خریدند، و همچنین از تجار و کسانی هم که می‌توانستند سرمایه‌ای بکار اندازند تشکیل شده بود.

روستای دوان در اواخر دورهٔ قاجاریه به ملکیت خواجه عبدالله فرزند خواجه حسنعلی معروف به ناصر دیوان یا ناصر لشکر امیر عضدی کلانتر کازرون و پسر خاله‌اش حسینعلی سلامی معروف به نصیرالسادات مالک بزرگ منطقه و تاجر معروف درآمد. حسینعلی فرزند حسن از سلسلهٔ سادات شیخ‌الاسلامی سلامی است که جد اعلایش به جناب مستطاب سلاله سادات امیر سلام الله حسینی شیرازی از تلامذه جناب مولانا جلال‌الدین دوانی می‌رسید. او در سال ۱۲۶۰ شمسی در کازرون متولد شد. ابتدا به صورت اجاره‌داری در قراء خمسه که متعلق به مرحوم بهبهانی و منطقهٔ دشت برم که متعلق به خوانین قشقایی بوده به زراعت مشغول بود. تدریجاً که وضع مالی‌اش خوب می‌شود شروع به خریدن روستاها و آبادیهایی می‌نماید.

در سال ۱۳۴۱ هجری قمری که احمدشاه قاجار از اروپا به ایران آمد در توقفی که در کازرون داشته مورد پذیرایی مفصل حسینعلی سلامی قرار می‌گیرد که همین امر بعدها باعث می‌گردد تا رضاشاه که در آن زمان در رکاب احمدشاه بود لقب نصیرالسادات به او بدهد. نصیرالسادات در سال ۱۳۰۰ شمسی به شیراز آمده و سپس در آنجا کمپانی محمدیه و اقدس را با شراکت مرحوم فرمانفرما والی فارس تأسیس می‌کند. ابتدا روستایی در حواله دریاچه پریشان خریداری می‌کند و نام آن را نصیرآباد می‌گذارد. سپس حاجی آباد و دوان را می‌خرد. روستاهای بعدی که خریداری می‌نماید عبارتند از: روستای عمویی که بعدها تغییر نام پیدا کرد به صمدآباد؛ زمینهای کنار کوه و رودخانهٔ شاهپور که آنها را به باغ مرکبات تبدیل نمود؛ سپس دریس و جامعه بزرگی را از حسنعلی خان حکمت خریداری کرد؛ مزرعه خیرآباد از خالصه خریداری شد و از سه چشمه ساسان برای آبیاری سه روستای خیرآباد، جامه بزرگی و دریس کانال آب کشیده شد؛ در سال ۱۳۱۲ شش دانگ روستای هفت پاره را خرید؛ سه دانگ روستای جدس را از مالکان آنها یعنی عبدالحسین طباطبائی و مرحوم حاج معین‌التجار خریداری کرد؛ $\frac{۲}{۹}$ روستای دو برمک در مجاور دریس خریداری شد که شرکاء مرحوم نواب السادات احمدی و سیداحمد حسینی بودند؛ $\frac{۴}{۵}$ دانگ از مزرعه گازرگاه و باغ گازرگاه نزدیک بل کتک از ورثه آقای عابد خریداری شد؛ و حدود ۳ دانگ دشت ارژن با مرحوم محمدحسن خانی بهبهانی شریک بود. به طور کلی مرحوم

نصیرالسادات از حسین آباد شیراز (نزدیک خان زیان) تا ملای نعل (مرز ممسنی) و از پل آب گینه تا خشت تمام روستاها را یا کارگزار بود، یا اجاره می‌کرد و یا صاحب بود. نصیرالسادات هر روستایی را که می‌خرید سعی می‌کرد که شخصی با نفوذ را شریک خود نماید و از طرف دیگر چون زمینهایش گسترده بود مباحثی بر آن می‌گماشت. عده‌ای از مباحثان قوم و خویش او بودند و عده‌ای دیگر از مباحثان غریبه بودند. بهره‌مالکانه حاصل از دوگاو زمین در هر روستا متعلق به مباحثان بود. همچنین ۱۰ درصد کل درآمد هر روستا یا مزرعه متعلق به مباحثان بود. در ایام آشوب بیشتر از مباحثان غیرقوم و خویش که تفنگچیان برجسته‌ای بودند استفاده می‌شد.

نصیرالسادات از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۶ شمسی با فرمانفرما در شرکت محمدیه و اقدس شریک بود. با رفتن فرمانفرما از شیراز، سهام او به قوام الملک انتقال یافت و شرکت تا سال ۱۳۰۸ دایر بود اما در این سال به علت اختلاف بین نصیرالسادات و مرحوم قوام، شرکت تعطیل شد. شرکت مزبور یک شرکت صادراتی بود که صمغ، زودو، بادام کوهی و خرما (که عمدتاً از روستاهای مالکان بدست می‌آمد) به هندوستان صادر می‌نمود. در سال ۱۳۱۸ شمسی نصیرالسادات به علت قدرتمند شدن در منطقه به مشهد تبعید می‌گردد و پس از خلع ید از رضاشاه به وساطت مهندس آهی وزیر فلاح و وقت و سردار فاخر رئیس مجلس وقت، در سال ۱۳۲۰ به شیراز مراجعت می‌کند. از آن سال به بعد به علت افزایش قدرت خوانین قشقایی و احتمال درگیری نصیرالسادات با آنها، تصمیم به فروش قسمتی از متعلقات و تقسیم بقیه، بین ۱۷ فرزندش گرفت. تنها روستای دوان بود که به دوانی‌ها انتقال پیدا کرد. نصیرالسادات کمتر به دوان سر می‌زد اما دائماً با اشخاص بانفوذ دوانی همچون کدخدای روستا در تماس بوده است. در زمان فرمانفرما برای یک دوره عضو انجمن شهر شیراز بود و برای مدت زیادی مسئول حزب عدالت فارس (شاخه شیراز) شد. بیان شد که یکی دیگر از مالکان دوان خواجه عبدالله امیر عضدی فرزند خواجه حسنعلی، کلانتر کازرون بوده است. لقب خواجه عبدالله «ناصر لشکر» است که رضاشاه هنگام اردو کشی به خوزستان به منظور به اصطلاح سرکوبی شیخ خزعل به او که در التزام شاه بود اعطاء کرد. لقب

دیگرش «ناصر دیوان» است که این لقب را والی وقت فارس به او داد.^۱ از آنجایی که ناصر لشکر هم کلاتر کازرون بود و هم مالک تعدادی از روستاهای اطراف، در صورت لزوم امکان بسیج و تجهیز بالغ بر دو هزار تفنگچی را داشته است. چنین تجهیزی پس از معاهده شوم ۱۹۰۷ میلادی و تقسیم جغرافیایی ایران بین دولت تزاری روسیه و بریتانیای کبیر و پیاده کردن یک عده انگلیسی و نظامی هندی در بوشهر، لازم آمد. در آن زمان «رئیسعلی دلواری جنگ با قوای مهاجم انگلیس را آغاز کرده بود و شیخ حسین خان چاهکوتاهی و زائر خضرخان به قصد مبارزه با نیروی مجهز انگلیس پیمان بسته بودند و به نوبه خود سرگرم تدارک و وسایل مبارزه بودند و از رئیسعلی دعوت کرده بودند به آنان ملحق شود و ناصر دیوان ضابط کازرون و غضنفرالسلطنه ضابط برازجان و بالاخره احمدخان اخگر فرمانده ژاندارمری محل با مجاهدان تنگستانی همفکری و همکاری به خرج می‌دادند.»^۲

در کتب تاریخ معاصر فارس و خطه جنوب آمده است که در مبارزه ناصر دیوان با انگلیسیها دو تن از چهره‌های شاخص و برجسته مجاهدان یکی کربلائی حسین دوانی و دیگری کربلائی عباسعلی دوانی بوده‌اند که با او همکاری مؤثر و مستمر داشتند و به منزله ستون فقرات تشکیلات مجاهدان بشمار می‌رفتند.^۳ بنابر اظهار نظر شاهدان عینی کلاً دوازده تفنگچی رشید از دوان جزء مبارزان قشون ناصر لشکر علیه انگلیسیها بوده‌اند.

پس از جنگ با انگلیسها ناصر لشکر از مقام حاکمی خلع و از آن پس خانه‌نشین شد. از آن زمان به بعد تنها یک مالک ساده روستاهای اطراف و از آن جمله دوان بود. از این پس ارتباط بین او و رعیت‌های دوانی بر اساس پرداخت بهره مالکانه بود و نیازی به عرضه بیگاری از طرف رعیت‌ها برای او نبود.

در جامعه روستایی ایران، از آنجایی که مالکان بزرگ در شهرها سکونت می‌گزیدند، ارتباط مستقیمی با رعیت‌ها نداشته‌اند. مالک از طریق مباشر و کدخدا بر روستایان کنترل داشته و اعمال نفوذ می‌کرده است. چون دوان دارای ۱۲ طایفه بوده است، برای سهولت در ارتباط با مالک طوایف را به چهار پایه تقسیم کرده‌اند. پایه‌های چهارگانه به شرح زیر است:

(۲) همانجا: ۱۳۶.

(۱) فراشبندی، ۱۳۶۵: ۳۱۵.

(۳) همانجا: ۲۴۱.

پایه اول: طوایف با پیر و خواجه میرک

پایه دوم: طوایف دهداران، زیر بلوطی و تاشمساله

پایه سوم: طوایف ملاها و فقها

پایه چهارم: طوایف خواجه‌ها، محمدعلی جمال، جمالو، خداذیو و فخرو

کدخدای پایه اول خواجه حسن پسر خواجه نظر، کدخدای پایه دوم کربلانی حسین اعتمادی، کدخدای پایه سوم ملا خدارحم پسر حاج محمدی و کدخدای پایه چهارم خواجه حسین پسر خواجه رشید بوده است. کدخدایان را مالک انتخاب می‌کرد و افراد روستا در انتخاب آنها صاحب رأی نبودند. پس از فوت کدخداهای پایه اول و سوم، دو کدخدای عمده یعنی آقای کربلانی حسین اعتمادی و خواجه حسین رشیدی به عنوان کدخدایان محل بالا و محل پایین باقی می‌مانند. کربلانی حسین اعتمادی از طرف ناصر دیوان و خواجه حسین رشیدی از طرف نصیرالسادات به کدخدایی دوان منصوب شده بودند. کدخدایان ۵ درصد درآمد روستا را که به مالک تعلق می‌گرفت به عنوان مزد کدخدایی از مالک دریافت می‌داشتند. در مقابل کدخدایان مأمور حفظ نظم و حفظ منافع مالک و از طرف دیگر رفع اختلافات درونی روستا و به نحوی حفظ موقعیت روستاییان در مقابل مالکان بودند. به عبارت دیگر نقش کدخدایان دوان یک نقش متضاد اجتماعی بود. از یک طرف اجراکننده دستورات مالکان و جمع‌آوری بهره مالکانه بوده و از طرف دیگر در صورت بروز اجحاف از طرف مالک، از روستاییان پشتیبانی می‌نمودند.

در آذرماه ۱۳۱۴ قانون مربوط به «کدخدایان» به نام «قانون کدخدایی» به تصویب دولت رسید. به موجب این قانون «کدخدا نماینده مالک و مسئول اجرای قوانین و نظامنامه‌هایی است که از طرف دولت به او مراجعه می‌شود»^۱ به موجب این قانون برای هر ده یا قصبه یک نفر کدخدا تعیین می‌شود. بنابراین کدخدا به هیچ وجه نماینده مردم روستا شناخته نمی‌شد و در قانون مقرراتی راجع به مشورت با مردم ساکن دهات اربابی درباره درخواست‌های آنان وضع نشده و تنها از مالکان آنهم در مورد انتصاب کدخدایان ذکری به میان آمده بود. پس از الغای مالکیت اربابی در دوان، کدخدای دوان از طرف فرمانداری کازرون با تأیید تیپ ۱۶ ارتش کازرون

منصوب می‌شد. فرمانداری با ۴ ریش سفید از ۴ پایه طایفه‌ای مشورت می‌کرد و پس از توافق آنها، که به طور ضمنی با مردم روستا مشورت می‌کردند، کدخدا را معین می‌نمود. چنین کدخدایی معروف به «کدخدای دولتی» بود به این ترتیب آقای کربلائی حسین اعتمادی، که قبلاً هم سابقه کدخدائی داشت، اولین کدخدای دولتی شد. چندین مرتبه به دلایلی از جمله اختلافات اهالی، کدخداهای این روستا عوض شدند اما بار دیگر آقای اعتمادی این مسئولیت را به عهده گرفت. اما این کدخدا دیگر مسن شده بود و نیاز به استراحت داشت و از طرف دیگر کدخدا می‌بایست شخصی پراورزی باشد.

در سال ۱۳۲۸ هجری شمسی آقای حسین اعتمادی از کدخدایی استعفا کرد و بنابر پیشنهاد او و مشورت ریش سفیدان ۴ پایه طایفه‌ای، فرزند ایشان، آقای محمد اعتمادی به کدخدایی دوان منصوب گردید.

کدخدای جدید نماینده رسمی دولت در دوان بود و از وظایف عمده او تشکیل انجمن ده با رأی مردم و زیر نظر بخشدار محل، رابط بین دولت و مردم، رفع اختلافات محلی، و اجرای امور عمرانی و آبادانی بود. محمد اعتمادی شخص با نفوذی بود به طوری که در اولین دوره انجمن شهرستان (ایالتی - ولایتی) به عنوان نماینده انجمن شهرستان کازرون از بخش حومه انتخاب شد. در زمان نمایندگی ایشان در انجمن شهرستان کازرون تلاشهایی برای جلب کمک‌هایی برای عمران و آبادی دوان شد که در مجموع به علت فساد اداری که وجود داشت به جایی نرسید. در دوران کدخدایی ایشان، عده‌ای از دوانی‌ها از شیوه رفتارشان راضی نبودند و این امر در ارتباط با نوع وظایفی بود که به عهده ایشان گذاشته شده بود و در مقابل دولت مسئول بود. به عبارت دیگر سابقاً کدخدایان در مقابل ارباب مسئول بودند و لذا در بسیاری موارد اعمالشان متضاد با منافع روستاییان بود، در حالی که بعدها که کدخدایان نماینده دولت در روستا شدند با بعضی از منافع مردم در مقابل دولت برخورد پیدا می‌کردند. خلاصه کلام اینکه همیشه کدخدا مجبور بوده که نقشی متضاد را بازی نماید و این امر مربوط به نظام حاکم بر روستاها بوده و نه گناه کدخدایان. در سال ۱۳۵۶ که حرکات انقلابی در گوشه و کنار مملکت بچشم می‌خورد و نهادهایی چون کدخدایی زیر سؤال بودند آقای محمد اعتمادی از کدخدایی دوان استعفا کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، کنترل روستا به دست شورای اسلامی افتاد و در روستا نهادی جدید با کارکردی جدید

بوجود آمد.

تا قبل از الغای مالکیت ارضی در دوان، ساکنان دوان عمدتاً رعیت‌هایی بودند که با داشتن حق نسق زراعی به شیوه مزارعه در چارچوب «در کار» به تولید مشغول بودند. از طرف دیگر همین رعیت‌ها، نیمه دهقانانی بودند که صاحب تاکستانها و باغهای انار و انجیر بوده‌اند. به عبارت دیگر از لحاظ طبقاتی نه کاملاً رعیت و نه کاملاً دهقان مستقل بودند و به بیان دیگر نیمه رعیت - نیمه دهقان بوده‌اند.

رعیت دوانی به علت اینکه مجبور بود سهمی عمده از محصول را به اربابان بدهد بزرگت قادر بود که نیاز خانوار خود را تأمین کند. اما اربابان برای ادامه فرایند تولید مجبور بودند که شرایط کاملاً سخت، حداقلی را برای رعیت‌های خود تأمین نمایند. اما ارباب در شرایط قحطی و سختی، همه رعیت‌ها را به یک میزان تأمین نمی‌نمود و لذا همیشه گروه کوچکی از دوانی‌ها مورد لطف بیشتر واقع می‌شدند. از آنجایی که رعیت‌های دوانی به طور کامل وابسته به مالک نبودند. لذا دارای قدرت تاکتیکی بیشتری نسبت به رعیت‌های کاملاً وابسته سایر روستاها بودند. اما به هر جهت ترسی از وجود ارباب و عمال او وجود داشت. هرگاه ظلم ارباب یا حاکم به حد اعلاى خود می‌رسید، رعیت دوانی با جرأت فراوان به نزد والی فارس شکایت می‌برد. مثلاً در ایام حکومت فرهاد میرزا معتمدالدوله والی فارس، دو نفر از رعایای قریه دوان به واسطه تظلم از حاکم کازرون نزد فرهاد میرزا به شکایت می‌روند.^۱ در واقع همان مسأله نیمه دهقان - نیمه رعیت بودن دوانی‌ها بود که آنها را نسبت به منافع جمعی‌شان آگاه نمود و علیه اربابان خود شوراند و در نهایت زمین را از چنگ مالکان درآورد.

تعدادی از رعیت‌های دوانی تولیدکنندگان خرده کالائی و خدمات بودند. اینان که اهل جزف یا خدمات چیان روستا بودند، علاوه بر زراعت و باغداری، مؤسسه تولیدی یا خدماتی کوچکی را در سطح روستا اداره می‌کردند که حاصل تولید و خدمات آنها متوجه گروههای زراعی بود. نجاران، خراطان، مشک دوزان، گیوه‌دوزان و شیوه‌کش‌ها همگی در جهت ادامه تولید زراعی - دامی در روستا به تولید مشغول بودند، ضمن اینکه در بسیاری موارد خود صاحب زراعت و باغ

هم بودند.

فرایند تولید در دوان از عهده رعیت به تنهایی بر نمی‌آمد. رعایا مجبور بودند که برای ادامه تولید از دو نیروی دیگر یعنی اعضای خانواده از یک طرف و کارگر زراعی (بازیار (bazyar) از طرف دیگر کمک بگیرند. در رابطه با نیروی کار خانوار در زمینه زراعی از زنان و کودکان به مقدار زیادی استفاده می‌شده است. زنان به هنگام برداشت محصول در بعضی موارد در مرحله کیسه کردن غله و یا پاک کردن محل غله کمک می‌نمودند، در حالی که از پسران در هنگام آخو (âxu) (خرمن کوبی) استفاده می‌شده است. در زمینه دامداری نگهداری دام در منزل کاملاً به عهده زنان بوده، در حالی که قسمتی از چرانیدن دام در خارج از منزل به عهده پسران بوده است. در بخش تولید صنایع دستی، عمده کار با زنان دوانی بوده است و مردان در این زمینه نقش فعالی نداشته‌اند و بالاخره باید از بخش خدمات نام برد که نقش زنان دوانی در این زمینه بسیار حساس بوده است. زمانی که مردان در کوه و صحرا و باغ مشغول فعالیت‌های کشاورزی و دامداری هستند، زنان به کارهای خانه مشغولند. وظیفه آوردن آب آشامیدنی از چشمه به خانه که یکی از شاق‌ترین کارها در دوان است، به عهده زنان بوده است. علاوه بر آن، تهیه قوت و غذا و توشه مردان به هنگام کار در کوه و صحرا، تا خرد کردن و آسیاب دانه‌های مختلف، نگهداری از کودکان، همه و همه از وظایف زنان زحمتکش دوانی است.

در قشر بندی اجتماعی دوان با بزرگان (بازیاران) برخورد می‌کنیم که آن دسته از روستایانی هستند که نه مالک وسایل تولیدی می‌باشند و نه حق استفاده از زمین را دارند. این طبقه فقیر روستایی تنها صاحب نیروی کار خود بودند که آن را در مقابل مزد نقدی یا جنسی در اختیار رعیت‌ها می‌گذاشتند. بازیاران همگی اهل دوان نبودند و در بسیاری موارد از روستاهای اطراف یا از عشایر به دوان می‌آمدند. بازیاران در واقع کارگران فصلی بودند که بر اساس مرحله‌ای از تولید وارد فرایند تولید می‌شدند. در ازاء کاری که صبح تا شام می‌کردند مبلغی را به عنوان مزد به صورت نقدی یا جنسی دریافت می‌داشتند، ناامنی اقتصادی از خصیصه‌های دائمی آنها بود. کشاورزی تنها فعالیتی بود که بازیاران می‌توانستند وارد آن شوند، اما این فرصت برای آنها محدود بود. موفقترین بازیاران آنهایی بودند که یکصد روز در طول سال مشغول به کار بودند. بدون شك عناصر اولیه مهاجرت از دوان از میان همین بازیاران و یا فرزندان آنها بوده است، زیرا

فقر و تنگدستی بیش از حد و نداشتن اشتغال در مدت ۹ ماه از سال، آنها را بر آن می‌داشت که برای تأمین بقیه‌مایحتاج خود، حداقل به صورت فصلی به شهرها مهاجرت کنند. همین مهاجرت‌های فصلی بعدها تبدیل به مهاجرت‌های دائمی شد، به طوری که در مدتی بسیار کوتاه دوان با کمبود نیروی انسانی برای انجام کارهای زارعی روبرو گردید.

نظام قشربندی اجتماعی در روستای دوان پیوندی نزدیک با نظام خویشاوندی داشته است. سابقاً خانواده در دوان خانواده‌گسترده بوده که هسته اصلی آن را پدر و مادر تشکیل می‌داده است. شکل خانواده در رابطه متقابل با شکل مالکیت زمین و نظام بهره‌برداری بوده است. اعضای خانواده گسترده دوانی از نوع پدر بومی، پدر تباری و اولویت جنس مذکر بوده و سازمان اجتماعی - اقتصادی آن زیر نظر پدر اداره می‌شده است. خانواده جزئی از واحد تولید بحساب می‌آمده است. منزلت اجتماعی زن ناچیز بود اگر چه غیر از فرزند آوردن و انجام کارهای خانه به کشاورزی، دامداری، صنایع خانگی و خدمات می‌پرداخته است. فرزندان نام و نشان از پدر و پدر بزرگ و اجداد می‌بردند. مثلاً شخصی که نامش اصلان بود، او را چنین می‌خواندند: اصلان ابوالحسن غلام محمدرضا که به ترتیب پدر، پدر بزرگ و جد اصلان بوده‌اند. سرای خانوادگی نسل‌های متعدد را در خود جای می‌داد و پاسدار سنتها بوده است. اکثر خانه‌های مسکونی دوان معروف به خانه جدی ساکنان آن است.

شبکه خویشاوندی در دوان به خاطر وجود ازدواج میان خویشاوندان درجه یک پیچیدگی خاصی دارد و با گذشت زمان روابط خویشاوندی در درون شبکه‌ها رو به تضاید گذاشته است. رسم همسرگزینی در دوان سابقاً بین فرزندان دو خواهر و دو برادر و یا فرزندان خواهر و برادر (دختر خاله - پسر خاله، دختر عمو - پسر عمو، دختر دایی - پسر عمه یا پسر دایی - دختر عمه) توصیه می‌شده است. شبکه خویشاوندی در دوان از گروه‌های خویشاوندی تشکیل شده که این گروه‌های خویشاوندی را در دوان «سو» (su)، «تیره» (tira)، «یارن» (yaren) یا «بُنکو» (bonku) گویند. سو یا یارن عبارت از مجموعه افرادی است که بر اساس قرابت نسبی یا سببی با یکدیگر پیوند دارند و روابط اجتماعی، اقتصادی و عاطفی خاصی آنها را مرتبط ساخته است. سو در دوان موجودیت قانونی ندارد ولی يك واقعیت اجتماعی است که بر خانواده‌ها مسلط بوده است. هر طایفه در دوان برگیرنده چند سو است. جدول ۱ - ۷ تعداد و نام تیره‌ها یا سوهای هر طایفه را نشان

داده است.

هر طایفه از مجموعه چند سو تشکیل می‌شود. طایفه‌های دوازده گانه در دو محل سکونت داشتند. طایفه‌های خواجه میرک، بایر، دهداران، زیر بلوطی‌ها و ملاها در محل بالا و طایفه‌های خواجه‌ها، تاشمساله، محمدعلی جمال، جمالو، خدادیو، فخر و فقها در محل پایین سکونت داشته‌اند. در هر محله‌ای سابقاً جای هر سوتی معین بوده و افراد هر سو در همسایگی یکدیگر بسر می‌برده‌اند. این امر در رابطه با قبرستانهای هر طایفه صادق بوده است. امروزه در اثر تغییر و تحولاتی که در دوان رخ داده، این انطباق جغرافیایی و طایفه‌ای تا حدودی به هم خورده است. افراد هر طایفه‌ای مشخص بوده‌اند و اگر کسی به عنوان مهاجر وارد دوان می‌شد، چون بنیاد زندگانی بر اساس کشاورزی بود، لذا مهاجر پس از مدتی که ثابت می‌کرد یک مهاجر دائمی به دوان است به عضویت یک طایفه در می‌آمد و صاحب نسق زارعی می‌شد. از طرف دیگر طایفه‌ها در اثر ازدواجهای بین طایفه‌ای نوعی اختلاط با هم ایجاد نموده‌اند، اما این امر باعث نگردیده که نشود معین کرد چه کسی از چه طایفه‌ای است زیرا تعیین طایفه هر کس از سمت پدری است. امروز هر کس براحتی می‌تواند بیان کند که از چه طایفه‌ای است.

تعصب طایفه‌ای در دوان بالاست به طوری که بسیاری مواقع دیده شده در مجالسی بر سر موضوعات طایفه‌ای مشاجرات لفظی در می‌گیرد. تعصب طایفه‌ای تا بدانجاست که بعضی طایفه‌ها خود را از طوایف دیگر برتر می‌دانند. هر طایفه‌ای به یک خصیصه مشخصه معروف است، مثلاً طایفه‌ای را به زیرکی، دیگری را به زحمتکش بودن و به همین ترتیب همه طوایف را به صفتی مشخص می‌کنند.

قبلاً بیان شد که طوایف دوان به چهار پایه تقسیم شده‌اند. هر طایفه دارای یک رئیس نبوده، اما ریش سفیدان هر طایفه دارای منزلت اجتماعی والایی بوده‌اند. به طوری که نظر آنها نزد سایر اعضای طایفه خریدار داشته است. هر طایفه دارای تعداد معینی افراد بوده که در بسیاری از کارهای اقتصادی و اجتماعی همان افراد معین بحساب می‌آمده‌اند. این تعداد بر اساس خانوارهایی بوده که بر روی زمین زراعی کشت می‌کرده‌اند.

جدول ۱ - ۷. تیره‌ها یا سوهای هر طایفه در دوان

ردیف	نام طایفه	نام تیره‌ها یا سوها
۱	باپیر	۱ - با پیری گل، ۲ - عمو عسکر گل*، ۳ - کولی جعفری گل، ۴ - حاجی لرگل، ۵ - جوانمردی گل، ۶ - صغری گل، ۷ - عباسی گل، ۸ - خواجه حسینی گل، ۹ - خواجه نظری گل، ۱۰ - پیروی گل
۲	خواجه‌ها	۱ - غلام محمدرضائی گل، ۲ - کربلانی علی محمدی گل، ۳ - کربلانی احمدی گل ۴ - کربلانی علی رضائی گل، ۵ - محمدعلی عسکری گل، ۶ - غلامحسین کربلانی حسینی گل، ۷ - محمد رحیمی گل
۳	خواجه‌ها	۱ - حاج مندی گل، ۲ - خواجه نامداری گل، ۳ - نوروزی گل، ۴ - رئیسو، ۵ - کاعبداللهی گل، ۶ - مؤمنی گل، ۷ - میش مرادی گل.
۴	دهداران	۱ - کربلانی سلومی گل، ۲ - کربلانی اکبری گل، ۳ - ملامحمدرضا زمونی گل، ۴ - خل محمد شریف گل، ۵ - ملکی دوزگل، ۶ - کربلانی خدا رحمی گل، ۷ - ملا حاجی گل
۵	زیربلوطی	۱ - حیدری گل، ۲ - ملاکریمی گل، ۳ - ملامحمد مهدی گل، ۴ - گاری گل، ۵ - میرزای محمد رضائی گل
۶	تاشمساله	۱ - کربلانی محمد طاهری گل (گل مع طاری)، ۲ - هدایتی گل، ۳ - غلوم کولی گل، ۴ - کربلانی باباوتی گل
۷	محمدعلی جمال	۱ - رشیدی گل، ۲ - خواجه خلیلی گل، ۳ - خواجه نبی گل، ۴ - حاج محد گل، ۵ - خواجه ابوالحسنی گل، ۶ - خواجه حسینی گل
۸	جمالو	۱ - کربلانی حاجی گل، ۲ - غلامحسین محد گل، ۳ - حاجی عباس گل، ۴ - علی محمدعلی گل، ۵ - اسفندیاری گل
۹	ملاها	۱ - کربلانی لطیفی گل، ۲ - ملاقتیری گل، ۳ - خطی محد (خطیب محمدی) گل ۴ - ملاعلی عسکری گل، ۵ - حاج غلامی گل
۱۰	خداذوبو	۱ - بهروزی گل، ۲ - حسین حاجی گل، ۳ - مهنورایی گل، ۴ - عبدالله شولی گل
۱۱	فخرو	۱ - محد حاجی گل، ۲ - اردشیری گل، ۳ - نوری زاده گل.

ردیف	نام طایفه	نام تیره‌ها یا سوها
۱۲	فقها	۱- کربلانی شیخ محمدی کل، ۲- کربلانی میری کل، ۳- خالو نصری کل، ۴- کل‌حیدری کل، ۵- کل محمدی کل، ۶- کل حسینی کل، ۷- ذاکری کل، ۸- خالو محمد علی کل، ۹- کل عباسی کل، ۱۰- حسن کل محمدی کل، ۱۱- محمد ملا فاضلی کل، ۱۲- ابوالحسن مرتضی بی کل، ۱۳- کل خدادایی کل ۱۴- شیخ حسینی کل

منبع: تحقیقات میدانی پژوهشگر.

* علامت جمع در گویش دوانی کل (gal) است.

روابط درون طایفه‌ای بر اساس دوستی است، اما گاهی مواقع دیده شده که عاملی (معمولاً اقتصادی) این دوستی را به دشمنی و حتی نزاع تبدیل کرده است و کلاً وحدت درونی طایفه برای مدتی متزلزل می‌شود. اما همان طایفه‌ای که ممکن است دارای تزلزل درونی باشد، در مقابل عامل خارجی (سایر طوایف دوان یا بیگانگان نسبت به روستا) از خود وحدت نشان می‌دهد و با خطری که یگانگی طایفه را تهدید می‌کند، به طور جمعی مبارزه می‌کنند. رابطه بین طایفه‌ای هم بر اساس دوستی و همزیستی است، اما این دوستی بر اساس رقابت بین طایفه‌ای است. این رقابتها بعضی مواقع رابطه بین طایفه‌ای در دوان در بسیاری مواقع شکر آب است، اما دوانی‌ها (هم دوانی‌های ساکن در دوان و هم مهاجران دوانی) در مقابل عامل خارجی و به هنگام خطر از اتحاد و یگانگی داخلی محکمی برخوردارند که این اتحاد زبانزد آنهایی است که با دوانی‌ها رفت و آمد دارند. تاریخ دوان مملو از اتحاد دوانی‌ها در مقابل غارتگران، مالکان و ژاندارمهای ستم شاهی است. ما در فصل مربوط به مالکیت زمینهای زراعی چند مورد از اتحاد و یگانگی دوانی‌ها را شرح داده‌ایم.

در نظام خویشاوندی دوان الگوی ازدواج یا بهتر بگوییم همسرگزینی به دو شکل عمده بوده است: ۱- یا دختری را که به دنیا می‌آید برای یکی از پسران خویشاوند درجه اول «ناف بُر» می‌نموده‌اند، که در این صورت دیگر آن دختر متعلق به آن پسر بود و در سن معین به عقد او در می‌آمد؛ ۲- یا اینکه وقتی پسری به سن ازدواج می‌رسید، پدر و مادر یا خویشان نزدیک آستین بالا زده و یا به قول دوانی‌ها پاشنه گیوه خود را کشیده و به خواستگاری دختری که زیرنظر

داشته‌اند (البته موضوع را قبلاً با پسر در میان گذاشته‌اند) می‌رفتند. معمولاً در نوع اول احتمال خویشاوندی نزدیک بین دختر و پسر صددرصد بوده است، در حالی که در شق دوم احتمال اینکه دختر تعیین شده از خانواده‌هایی غیر از خویشاوندان نزدیک باشد، زیاد بوده است. به هر جهت در هر دو صورت ازدواج از نوع درون روستایی بوده و کمتر اتفاق می‌افتاد که ازدواجهای اول با افراد خارج از روستا صورت بگیرد.

پیش از این اگر مردی جوان بود و همسرش فوت می‌کرد، عمدتاً زن دوم را دوباره از بین همان دختران جوان دوانی انتخاب می‌نمود. البته این عمل معمولاً بعد از گذشت يك سال از فوت همسر اول انجام می‌گرفت و ازدواج دوم طی مراسمی آرام و بدون جشن و سرور بود. اگر مردی مسن همسرش فوت می‌کرد به تناسب سن مرد، زنی جوان یا ییوه از درون یا بیرون روستا به عنوان زن دوم انتخاب می‌نمود. در هر دو صورت نگهداری بچه‌های زن اول با زن دوم و همچنین نگهداری بچه‌های زن دوم از شوهر قبلی (در صورتی که داشته باشد) به عهده شوهر جدید بوده است.

اگر مردی زنش را طلاق می‌داد در این صورت براحتی زن دوم را یا از درون روستا و یا از بیرون اختیار می‌کرد که در هر دو صورت مجبور نبود مدتی بین طلاق و ازدواج دوم وقفه ایجاد نماید. در بین زنان دوانی، ازدواج با مرد مطلقه امری بسیار عادی است. از طرف دیگر ازدواج با زن مطلقه هم به همان اندازه برای مردان امری عادی است. به طور کلی طلاق در جامعه دوان کمتر اتفاق می‌افتاده است. این امر بیشتر ناشی از وجود قدرت مسأله خویشاوندی بوده که در آن ساخت، اختلافاتی را که بوجود می‌آمده یا به طریق کدخدا منشی بزرگان خانواده یا با پادر میانی تیره و طایفه به شکلی حل می‌نمودند و اختلاف را خاتمه می‌دادند، یا اینکه به لحاظ برتری فرهنگی مرد، اگر مشکل زندگی از طرف مرد بود، زن در بسیاری موارد جرأت بروز و بیان اختلاف را نداشته و اختلاف را کتمان می‌نمود و خود در آتش مسائل و مشکلات خانوادگی تا آخر عمر می‌سوخت و می‌ساخت.

اصولاً چند زنی در دوان زیاد معمول نبوده است و کمتر مردانی دیده می‌شدند که در يك زمان چند همسر داشته باشند. اگر هم چنین وضعی پیش می‌آمد، حداکثر دو زنی بوده است که هر دو زن در همان خانه شوهری ساکن بوده‌اند. دو زنی‌ها عمدتاً هر دو همسر را از دوان

اختیار می‌کرده‌اند.

در دوان تعداد افرادی که چندین مرتبه ازدواج کرده‌اند بسیار است. سابقاً اگر مردی همسرش را از دست می‌داد (به هر شکلی) ادامه حیات بدون زن جدید برایش مشکل بوده است. این امر به خاطر سه عامل مهم بوده است: ۱) نیاز به زن به عنوان عامل ضروری در امر باز تولید و حفظ نیروی کار انسانی؛ ۲) نیاز به زن به عنوان بخشی از نیروی کار در امر تولید، و ۳) نیاز به زن به عنوان عامل رفع نیازهای جنسی و روحی. در رابطه با عامل اول زنان دوانی با آوردن بچه‌های زیادی (معمولاً بین ۵ تا ۱۰) نیروی انسانی لازم برای تولید را تأمین می‌کرده‌اند. تولید نیروی کار بقدری بوده که مازادی را هم روستا ایجاد می‌کرده است و دوانی‌ها برای کار به شهرهای داخلی و بعدها به کشورهای خارجی مهاجرت می‌کردند. از طرف دیگر زن جدید عامل نگهداری از فرزندان زن قبلی است. زنهای دوم دوانی با جان و دل بچه‌های به جای مانده از زن اول را نگهداری می‌کرده‌اند و در دوان مشکلی به نام «زن بابا داشتن» و عدم توجه به فرزندان زن قبلی وجود نداشته است. در رابطه با عامل دوم، نقش زن دوانی در امر تولید بسیار حساس، مهم و تعیین‌کننده بوده است. قبلاً نقش زن در امر تولید را شرح داده‌ایم که عمدتاً شامل فرایندهای کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و خدمات است. در رابطه با عامل سوم، مردان دوانی عمدتاً همسر دوست بوده و ارتباط با غیر همسر را امری حرام دانسته و گرد آن نمی‌رفته‌اند. همچنین نیازمند یک تکیه‌گاه روحی و گرم‌کننده کانون خانواده که از نظر آنها زن باشد، بوده‌اند. از طرف دیگر چون پدیده «صیغه کردن» رواج چندانی در دوان نداشته است، لذا علاوه بر موارد ذکر شده بالا، مردانی که همسر خود را از دست داده بودند ترجیح می‌دادند که هر چه زودتر مجدداً همسری جدید اختیار نمایند.

زنانی که در دوان همسر خود را از دست می‌داده‌اند (به هر شکلی) مجدداً ازدواج می‌نمودند. در دوان زنایی وجود داشته که حتی تا چهار نوبت ازدواج کرده‌اند. سابقاً در دوان کمتر زنی دیده می‌شد که حتی پس از فوت همسرش تا آخر عمر بیوه باقی بماند. طبق بررسی‌های انجام شده، یکی از عوامل اصلی این امر نیاز به پشتوانه اقتصادی بوده است. مستقل زندگی کردن زن در دوان امری نامفهوم و منسوخ بوده است. زنان به یارای مستقل زندگی کردن را داشتند و نه چندان آن را صحیح می‌دانستند. این امر بعدها در اثر عوامل گوناگون تغییر کرد.

جمعیت، مهاجرت و مهاجران دوانی

جمعیت هر جامعه‌ای بر اثر عوامل گوناگونی تغییر خواهد کرد. بررسیهای ما از جامعه دوان نشان می‌دهد که جمعیت دوان تحت تأثیر يك عامل مهم جامعه شناختی به نام مهاجرت تغییرات اساسی کرده است. پدیده مهاجرت در دوان خود نیز معلول يك دسته عوامل اقتصادی - اجتماعی بوده که در زمانهای مختلف ترکیبات خاصی را ایجاد و دوانی‌ها را به این سوی و آن سو راهی کرده است. به طور کلی قحطی و خشکسالی و غارت از يك طرف و استثمار بیش از حد مالکان دوان از طرف دیگر دست به دست هم داده باعث مهاجرت دوانی‌ها گشته است. از بررسی نمونه‌ای مهاجران معاصر دوانی چنین بر می‌آید که ۶۹ درصد به دنبال شغل و درآمد بهتر روستا را ترك گفته‌اند و تنها ۲۵ درصد اظهار داشته‌اند که برای ادامه تحصیل مهاجرت نموده‌اند. بقیه نیز به دنبال خانواده (۲ درصد) و یا عوامل دیگر (۴ درصد) بوده‌اند. اگر چه از قدیم الایام دوانی‌ها مهاجرت می‌کرده‌اند، اما در اینجا منظور مهاجرت به عنوان يك پدیده جمعی است که تعداد قابل توجهی از افراد را در بر می‌گیرد.

الگوی مهاجرت از دوان را می‌توان به سه دوره عمده تقسیم کرد: دوره اول مربوط به قبل از جنگ جهانی اول است که عمدتاً دوانی‌ها به بوشهر و بحرین کوچ کرده‌اند؛ دوره دوم بین جنگ جهانی اول و دوم است که عمده مهاجرت به شهر صنعتی آبادان بوده؛ و دوره سوم بعد از جنگ جهانی دوم است که ابتدا به کویت و سپس به قطر و ابوظبی و سایر شهرهای ایران و نهایتاً به تعدادی کشورهای اروپایی (آلمان، فرانسه، انگلیس و هلند) و ایالات متحده آمریکا بوده است. در اثر قحطی و غارت و فشارهای اقتصادی، اولین مهاجرت جمعی دوانی‌ها صورت گرفت. مرحوم شیخ محمدعلی دوانی در رساله خود وضع دوان را در آن سالها (قبل از ۱۲۵۰ هجری قمری) چنین وصف می‌کند:

«... و قریه مزبوره از اعظم رساتیق بوده و در سنوات قحط و غلا - نستجیر بالله منها - اغلب و اکثر ایشان مردند و تفرقه شدند که بالفعل خانه‌های ایشان غیر مسکون است.»^۱

در آن ایام بوشهر تنها مکانی بوده که قادر به جذب مهاجران در جنوب بود. بندر بوشهر يك مرکز تجاری بود و سالانه مقدار زیادی کالا و اجناس به این بندر وارد و از آنجا صادر می‌شد. لذا نیاز مبرم به نیروی کار برای جابجایی داشت. دوانی‌ها به دو صورت این نیروی کار را تأمین می‌کردند. از يك طرف چون دوانی‌ها به علت کار با طبیعت سخت دوان افرادی ورزیده بودند براحتی امر تخلیه و بارگیری کشتی را در دست گرفتند. صادق چوبک در کتاب تنگسیر خود آنجا که به تشریح وضع گمرک و اسکله‌های بوشهر می‌رسد، می‌نویسد:

«آفتاب بلند شده بود و بازار شلوغ بود. مزدورها برای خالی کردن بارهای کشتی به طرف اسکله و گمرک در تکاپو بودند. حاملهای نیرومند کازرونی و دوانی با بارهای سنگین و سببر، میان گمرک و تجارتخانه‌ها آمد و شد می‌کردند.»^۱

این شغل را در آن زمان کولی (coolie) می‌گفتند. تعداد دوانی‌های کولی در آن زمان آنقدر زیاد بود که باربری در بندر بوشهر به انحصار آنها در آمده بود و اگر روزی دست به اعتصاب می‌زدند، کار تخلیه و بارگیری کشتی‌ها متوقف می‌شد. این مهاجران ابتدا به صورت فصلی بودند، اما بعدها در بوشهر دائمی شدند و امروزه از اعقاب آنها تا چهار نسل در بوشهر و حومه بسر می‌برند.

شکل دوم در جابجایی کالا به صورت قاطرچی بوده است. دوانی‌ها در قرن پیشین گاوهایی را که برای شخم بکار می‌بردند کنار گذاشتند و در عوض از قاطر استفاده نمودند. همین امر باعث شد که هنگامی که فشارهای اقتصادی بر آنها وارد می‌شد از قاطرهای خود به عنوان يك وسیله باربری استفاده نمایند. از آنجایی که کالاهای وارده به بوشهر را می‌باید به شیراز حمل و نقل نمایند، لذا دوانی‌ها موقعیت را مناسب دیده به حمل و نقل بار پرداختند. صادق چوبک در جای دیگر کتابش زمانی که وصف بازار معین بوشهر در آن ایام را می‌کند، از وجود این قاطرچیها یاد می‌کند:

«قاطرهای حمالباشی با صندوقهای بزرگ مال التجاره ریشه پشت سرهم، تو بازار در آمد و شد بودند. دکانها تک تک باز می‌شد و صدای قاطرچیهای دوانی که فریاد

می زدند: خیردار! برو بالا که قالب بازار او مد،... بلند بود.^۱

قاطرچیهای دوانی خیلی زود به صورت کمندهای تجاری در آمدند که مالالتجاره تجار بزرگ داخلی و خارجی را حمل می کردند. در آن ایام حمل پست از بوشهر به شیراز و بالعکس از طریق مزایده به یکی از همین کمندا داده می شد. چون کمند دوانی ها در حمل کالا سریع و محکم و دارای تفنگچی های زبردستی بود، لذا مرحوم کربلائی شهبازخان دوانی که دارای ۲۴ قاطر بود برای مدتی طولانی مسئولیت پست شیراز به بوشهر و بالعکس را بدست آورد. شهبازخان کمندهای خود را گسترش می دهد به طوری که حمل و نقل از بوشهر به بندرلنگه و از بوشهر به اهواز را هم به واگذار می کنند.

از آنجایی که دوانی ها همیشه با مبارزان ضدانگلیسی در جنوب همکاری داشته اند، قافله داران دوانی در این همکاری سهمی بسزا دارند. قبلاً بیان کردیم که مبارزان جنوب همچون رئیسعلی دلواری، شیخ حسین خان جاهکوتاهی، زائر خضرخان، ناصر دیوان و غضنفر السلطنه مشغول مبارزه با انگلیس ها بودند. در چنین شرایطی ویلهلم و اسموس آلمانی از اعضاء وزارت امور خارجه آلمان برای فعالیتهای ضدانگلیسی وارد جنوب ایران شد و به علت وجه مشترکی که با مبارزان جنوب (ضدیت با استعمار انگلیسی) داشت خیلی زود با آنها ارتباط ایجاد نمود.^۲ به همین لحاظ انگلیسیها برای کسی که او را زنده تسلیم کند یا کشته تحویل دهد پنجاه هزار لیره انگلیسی انعام معین کردند و همه جا اعلام داشتند، عجب آنکه این وعده و پول هنگفت کمترین تأثیری در روحیات مردم آن صفحات نکرده.^۳ شهبازخان دوانی که خود پست جنوب را بعهده داشت و بارها و اسموس در چنگش بود، نه تنها او را تحویل مقامات انگلیسی نداد، بلکه يك بار که انگلیسیها همه جا مأمور جهت جلب واسموس گمارده بودند، او را از طریق دوان از راه غیر معمول و بیراهه به شیراز روانه کرد. برای این منظور، شهبازخان مدت يك هفته واسموس را در دوان در منزل خود مخفی نمود.^۴

دوانی های مهاجر به بوشهر همه در زمینه حمل و نقل و باربری مشغول به کار نشدند. عده ای که

(۲) فراشندی، ۱۳۶۵: ۱۵۳

(۱) همانجا: ۱۳۵ - ۱۳۶

(۳) آدمیت، ۱۳۴۹: ۲۱.

(۴) برای اطلاعات بیشتر در مورد فعالیتهای واسموس رجوع شود به فراشندی، ۱۳۶۵.

سوادی مختصر داشتند در تجارتخانه‌های بوشهر به مقام دفترداری رسیدند. پس از مدت زمانی کوتاه در زمینه تجاری تعدادی تاجر دوانی بوجود آمد که از معروفترین آنها حاج محمدکریم دوانی است که بعدها واسطه انتقال زمینهای زراعی دوان از دست مالکان به مردم دوان شد. این تاجر دوانی بعدها در زمان رضاشاه به شیراز تبعید شد و تا آخر عمر (۱۳۲۸ هجری شمسی) ساکن شیراز بود. عده‌ای از دوانی‌های ساکن بوشهر به علت ارتباط تجاری با منطقه بحرین به این جزیره تجاری مهاجرت کردند و در آنجا از تاجر بزرگ شدند. از آنجمله است التاجر الدوانی که بزرگترین تاجر چای در منطقه بحرین بوده است.

با افول بوشهر به عنوان یک مرکز تجاری و رونق آبادان به عنوان یک مرکز صنعتی، جهت و مقصد مهاجران دوانی تغییر کرد و در واقع مرحله دوم مهاجرت شروع شد. ابتدا شخصی به نام صفر فرزند حسین که پدرش مهاجر دوانی و ساکن بوشهر بود، به علت شغل ملوانی و ارتباطی که با شیخ خزعل داشت، پس از فوت پدر، برادران خود را به جزیره آبادان کوچ داد و آنها را ابتدا در خزعل آباد آبادان سکونت داد و سپس هرکدام از برادران در نخیلات آبادان سکونت گزیدند. کلیه آنها به کدخدایی قریه‌های آن منطقه رسیدند و پس از مدتی کوتاه صاحب نخیلات زیادی گردیدند.

با گسترش فعالیت شرکت نفت ایران و انگلیس و اقدام به تأسیس پالایشگاه آبادان، نیاز به نیروی انسانی زیادی بود، لذا آبادان به عنوان قطب صنعتی و جذب نیروی مازاد در روستاهای ایران گردید. از آنجایی که دوانی‌ها دارای رابط در این منطقه بودند، خیل مهاجران دوانی به سوی آبادان سرازیر شد. بنابراین از طریق بوشهر دوانی‌ها به وسیله لنج به آبادان مهاجرت کردند. معمولاً دوانی‌ها بین ۹ تا ۴۰ سالگی اقدام به مهاجرت می‌کردند. ابتدا این افراد را به بوشهر می‌آوردند و در کاروانسراها نگهداری می‌کردند تا لنج آنها را به آبادان انتقال دهد. افراد را پس از دریافت اجازه نامه ورود به خوزستان به نام «علم و خیره»، سوار بر غراب (نوعی کشتی) می‌نمودند. آنهایی را که سن کمتری داشتند به عنوان پیشخدمت (چوکرا) نزد هندی‌ها استخدام می‌کردند. مزد ماهانه بین ۱۵ تا ۳۰ ریال بود. بزرگترها و آنهایی را که به ۱۵ سالگی می‌رسیدند به اداره کارگزینی شرکت نفت می‌بردند و از میان آنها افراد را جهت استخدام در قسمتهای مختلف شرکت نفت انتخاب می‌کردند. جوانترها را در آموزشگاه و شبانه‌روزی (Training-shop)

می‌فرستادند تا آموزشهای فنی لازم را ببینند، و مسن‌ترها را برای قسمت‌های مختلف در کارهای ساده استخدام می‌کردند.

دوانی‌های مهاجر در آبادان، عمدتاً همسر خود را در اولین فرصت از دوان انتخاب می‌کردند. در بسیاری موارد زن را عقد می‌کردند و به آبادان می‌بردند.

دوانی‌های مهاجر در هر قسمتی که بودند، سعی می‌کردند که خویشاوندانشان را که برای استخدام می‌آیند به همان رشته و محل کار ببرند. لذا رابطه‌ای بین خویشاوندی دوانی‌ها و مشاغل معین در شرکت نفت وجود داشت. کلاً شرکت نفت دارای يك نظام دو قطبی بود يك قطب کارگران و قطب دیگر کارمندان. گرچه تعداد دوانی‌های کارگر در آبادان بیش از کارمندان بود، اما دوانی‌های زیادی به رأس هرم شغلی شرکت نفت می‌رسیدند.

عده‌ای از دوانی‌هایی که به آبادان مهاجرت نمودند جذب بخش تجاری شدند و پس از مدتی کوتاه به تجار عمده آبادان تبدیل شدند. اگرچه تعداد تجار دوانی در آبادان زیاد نبود، اما تعداد دوانی‌های که در بازار به کسب و کار مشغول بودند، قابل ملاحظه بود.

از سال ۱۳۲۸ هجری شمسی تصمیم گرفته شد تا محلی جهت انجام فرایض دینی و گردهمایی‌های دوانی‌ها که در نظر گرفته شود. سپس از طریق خودیاری مردم حسینیه دوانیهای مقیم آبادان در زمینی به مساحت ۲۲۶ مترمربع احداث گردید که ساختمان آن در سال ۱۳۳۱ مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

تعداد دوانی‌های مقیم آبادان بیش از يك هزار خانواده بود که بخشی در شرکت نفت به فعالیت مشغول بودند و در میان آنها از کارمندان عالی رتبه شرکت نفت تا کارگران جزء دیده می‌شد. بخش دیگری از آنها در کارهای تجاری و مغازه‌داری بودند که عمدتاً تعداد مغازه‌داران آن بیش از تجار بوده است. در واقع آبادان به مهمترین مرکز تجمع دوانی‌ها در ایران تبدیل گردید و این مرکز تا شروع جنگ ایران و عراق همچنان عمده‌ترین مقصد مهاجران دوانی بود. از آن پس به علت مهاجرت اجباری، دوانی‌های ساکن آبادان، همچون سایر آبادانی‌ها مجبور به ترك آبادان شدند و از آن پس شیراز به عمده‌ترین مرکز تجمع دوانی‌ها تبدیل گردید.

پس از اشباع شدن آبادان از دوانی‌های مهاجر و کاهش پذیرش مهاجران جدید و یا شروع توسعه کشور عربی کویت و نیاز مبرم به کارگران ساده و فنی در این کشور، سیل مهاجران ایرانی به

این کشور سرازیر شد. از سال ۱۳۲۴ اولین دوانی‌ها به کویت مهاجرت کردند و فصلی جدید در تاریخ مهاجرت دوانی‌ها ایجاد نمودند (دوره سوم).

مهاجر دوانی در کویت می‌بایست فرایند خاصی را طی می‌کرد تا پس از مدتی با محیط منطبق گردد. هر تازه واردی ابتدا به مرکز دوانی‌ها که در واقع يك منزل جمعی بود می‌رفت و پس از چند روز در مؤسسه‌ای به عنوان يك کارگر ماهر معرفی می‌شد.

شدت مهاجرت دوانی‌ها به کویت در سالهای بین ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ بود که دوران رکود مشاغل در ایران بوده است. تا سال ۱۳۳۸ دوانی‌ها عمدتاً در شرکتهای آمریکایی و دولتی کویت مشغول به کار بودند. از این سال به بعد با کم شدن حجم شرکتهای خارجی، دوانی‌ها وارد مشاغل آزاد و بازار شدند. در کویت قانون بر این بود که برای تأسیس مغازه باید صاحب ویزا برای مهاجر مغازه بگیرد و خودش پنجاه و يك درصد و شخص مهاجر چهل و نه درصد از سهم مغازه را داشته باشد. دوانی‌ها به صورت غیررسمی تمام سهم را می‌خریدند ولی به لحاظ رسمی با صاحب ویزا شریک بودند. اما عده‌ای هم مجبور به بازگشت به ایران شدند که البته در بازگشت به ایران با تأسیس مؤسسه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری توانستند از موقعیت خوبی برخوردار شوند.

از کل خانوارهای دوانی در کویت (۷۰ خانوار)، ۱۷ نفر خانواده خود را در ایران نگهداری می‌کنند که عمدتاً در شیراز، کازرون و دوان سکونت دارند، ۷ نفر مجرد و بقیه خانوارها (۴۶ خانوار) با خانواده خود در کویت می‌باشند. کلاً ارسال پول و کمکهای نقدی به افراد خانواده و خویشان در دوان معمول بوده است. به عبارت دیگر دینارهای کویتی در تقویت سطح زندگانی دوان بسیار مؤثر بوده است.^۱

در همین دوره سوم، مهاجرت به سایر شهرهای ایران انجام گرفت. شیراز اگر چه با دوان فاصله چندانی نداشت، اما به علت عدم توانایی در جذب نیروی کار، چندان مهاجرپذیر نبود. تا مدتها جمعیت قابل ملاحظه‌ای از دوانی‌ها به شیراز مهاجرت نکردند تا اینکه در دهه ۱۳۵۰ دوانی‌های مهاجر در آبادان که از شرکت نفت بازنشسته شدند و تقریباً دیگر مشغله‌ای در آبادان نداشتند و می‌خواستند بقیه عمر را در يك جای خوش آب و هوا بگذرانند، به شیراز که از لحاظ

فرهنگی مناسبتر بود، مهاجرت کردند. پس دومین گروه مهاجران دوانی به شیراز بازنشتگان بودند.

با بالاگرفتن تعداد مهاجران دوانی در شیراز احساس شد که به محلی جهت تجمع دوانی‌ها نیاز است تا هم به عبادت و هم به رفع مسائل دنیوی خود پردازند. و بدین منظور حسینیه دوانی‌ها احداث گردید و در سال ۱۳۵۵ مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

سومین گروه مهاجران دوانی به شیراز با شروع جنگ تحمیلی از آبادان به شیراز آمدند که با ورود آنها شیراز به عمده‌ترین محل تجمع دوانی‌ها خارج از دوان تبدیل شد.

دوانی‌ها به شهرهای معینی مهاجرت کرده‌اند. در بعضی از شهرها همچون کازرون در حال حاضر تعدادشان چشمگیر است، در حالی که قبلاً با وجودی که کازرون نزدیکترین شهر به دوان بود، به علت نداشتن جاذبه‌های شغلی، دوانی‌ها را به خود جذب نمی‌نمود. در ده سال اخیر تعداد مهاجرین دوانی به کازرون روبه افزایش نهاده است و یکی از عوامل مؤثر در آن، مهاجران جنگی دوانی در کازرون است. با بالاگرفتن تعداد دوانی‌ها در کازرون، باز احتیاج به یک محل تجمع احساس گردید. در کازرون مثل آبادان و شیراز اقدام به ساختن یک حسینیه شد. در سال ۱۳۵۹ قطعه زمینی به وسعت ۵۷۵ متر مربع برای این منظور اختصاص داده شد. حسینیه مزبور با خودیاری دوانی‌ها ساخته شد و مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

دوانی‌ها در مرحله سوم مهاجرت خود به بعضی از کشورهای اروپایی (هلند، فرانسه، آلمان و انگلستان) و ایالات متحده آمریکا رفتند و سکونت‌های از نوع موقتی هم بدست آوردند. این تعداد اگر چه معدود است، اما دسترسی به آنها و ارائه آمار دقیق در موردشان مشکل است. در مقابل، بررسی‌های نمونه‌ای ما نشان داده که ۱۲ درصد خانوارهای مهاجر دوانی دارای حداقل یک فرزند در کشور ایالات متحده آمریکا هستند و ۴ درصد خانواده‌ها دارای فرزندی در اروپا و بالاخره ۲ درصد دارای حداقل یک فرزند در کشورهای آسیایی می‌باشند. به همین لحاظ تعداد دوانی‌های مهاجر (هم نسل اول و هم نسل دوم) در کشورهای آمریکایی، اروپایی و آسیایی قابل ملاحظه است.

بافت اجتماعی معاصر دوانی‌ها

قشربندی اجتماعی و نظام خویشاوندی در دوان تحت تأثیر مهاجرت‌های مختلف در زمانهای

مختلف دستخوش تغییرات اساسی گردیده است. جمعیت دوان همه ساله متغیر است و آمار و ارقام نشانگر این تغییرات است. جدول ۲-۷ سیر نزولی خانوار و جمعیت ساکن در دوان را نشان می‌دهد در جدول مزبور تعداد خانوارها به یکباره در سال ۱۳۶۱ افزایشی را نشان می‌دهد که این افزایش مربوط به ورود مهاجران جنگزده دوانی از آبادان به دوان است که بلافاصله پس از مدتی کوتاه باز تغییرات جمعیتی همان روال عادی خود را طی می‌کند.

جدول ۲-۷ تعداد خانوارها و جمعیت دوان بعد از سال ۱۳۵۲

سال	تعداد خانوار	کل جمعیت روستا
۱۳۵۲	۲۷۸	۱۳۴۲
۱۳۵۵	۲۶۷	۱۱۸۸
۱۳۵۸	۲۷۷	۱۵۲۰
۱۳۶۱	۲۸۰	۱۳۰۰
۱۳۶۵	۲۰۳	۹۵۸

منبع: سرشماری‌های مختلف رسمی و غیررسمی.

خانوارهایی که در حال حاضر در دوان ساکن هستند، در اثر تحولات اقتصادی و بخصوص ارضی و عوامل دیگری همچون مهاجرت، توسعه و عمران و آبادی، به لحاظ قشربندی اجتماعی به سه طبقه عمده تقسیم می‌گردند: (۱) طبقه تولیدکنندگان مستقل؛ (۲) طبقه کارگران؛ و (۳) طبقه خدمات‌تجیان و مصرف‌کنندگان. تولیدکنندگان مستقل آن خانوارهایی هستند که مالکیت مؤسسه تولیدی کلاً متعلق به رئیس خانوار است و مدیریت هم در دست رئیس خانوار متمرکز است. این مؤسسه‌ها از نیروی کار خانوار استفاده می‌کنند و قسمت اعظم تولید برای بازار است. تولیدکنندگان مستقل (۱۱۵ خانوار یا ۵۷ درصد) در دوان خود به دو قشر دهقانان و دامداران، مغازه‌داران و تولیدکنندگان خرده‌کالایی تقسیم می‌گردند. چهل و نه درصد رؤسای خانوار دوانی (۹۹ نفر) جزء دهقانان و دامداران مستقل هستند. در حالی که هشت درصد رؤسای خانوارها (۱۶ نفر) مغازه‌دار و تولیدکننده خرده‌کالایی هستند.

کارگران در روستای دوان بیست و چهار درصد خانوارها (۴۸ خانوار) را تشکیل می‌دهند که از این مقدار ده درصد (۲۰ خانوار) کارگران زرعی هستند و عمدتاً کارشان فصلی است و بجز نیروی کار چیزی برای عرضه کردن در روستا ندارند، و چهارده درصد (۲۸ خانوار) کارگران غیرزرعی هستند که در زمینه‌های غیرزرعی روستا مشغول به کار هستند. هر دو گروه کارگران در روستای دوان عمدتاً در فصلهای سنگینی کار (برداشت محصول و تعمیر باغ) به استخدام دهقانان مستقل در می‌آیند. از آنجایی که مزد دریافتی کفاف معیشت خانواده این افراد را نمی‌کند، اکثراً مدتی از سال را مهاجرت می‌کنند تا بدین وسیله، کسری درآمد خود را جبران نمایند.

سومین طبقه اجتماعی در دوان شامل خدمات‌چیان و مصرف‌کنندگان است که خود به دو قشر خدمات‌چیان (همچون معلمان، کارکنان دولتی و...) و مصرف‌کنندگان تقسیم شده است. منظور از مصرف‌کنندگان آن رؤسای خانواری است که نه تولیداتی به طور مستقل دارند و نه برای کسی کار می‌کنند و صرفاً بر پایه پولی که فرزندانشان از خارج از دوان برایشان ارسال می‌دارند زندگی می‌کنند. تعداد این خانوارها در دوان چهارده درصد (۲۹ خانوار) است و عمدتاً رئیس خانوار پیرمرد یا پسرزن از کارافتاده‌ای است که چشم انتظار رسیدن مخارج ماهانه از طرف فرزندان خود می‌باشد. این افراد دارای وضع مالی نسبتاً خوبی در دوان هستند. در رابطه با خدمات‌چیان در دوان (۱۱ خانوار یا ۵ درصد) باید گفت اگر چه کمترین درصد جمعیت دوان را در بردارند، اما جزء اقشار زحمتکش روستا هستند.

کلیه طبقات نامبرده موجود در دوان در ارتباط با مهاجرت، تعدادی از افراد خود را حداقل یک بار مجبور به مهاجرت از دوان نموده‌اند. جدول ۳-۷ سابقه مهاجرت رؤسای خانوار و فرزندان آنها را در طبقات مختلف اجتماعی دوان نشان می‌دهد. بر اساس این جدول درصد رؤسای خانوار کارگران که سابقه مهاجرت دارند بیش از دو طبقه دیگر است (۹۲ درصد) و همچنین کمترین درصد متعلق به خدمات‌چیان (۴۲/۵ درصد) می‌باشد. در رابطه با فرزندان این خانواده‌ها فرزندان شصت و هشت درصد خانوارهای تولیدکننده مستقل (۷۸ خانوار) سابقه مهاجرت دارند، و در مرتبه دوم فرزندان خدمات‌چیان وجود دارند (۴۰ درصد یا ۱۶ خانوار) و کمترین آنها متعلق به فرزندان کارگران است (۱۱ خانوار یا ۲۳ درصد).

بافت اجتماعی دوان جدای از ساخت اجتماعی - اقتصادی مهاجران دوانی نیست. در جدول

۴-۷ گروه‌های عمده شغلی و پراکندگی جغرافیایی رؤسای خانوارهای دوانی مهاجر در ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس در سال ۱۳۶۵ نشان داده شده است. آنچه که از جدول مزبور برمی‌آید این است که بیشترین درصد خانوارهای دوانی (۳۷ درصد) در کارهای فروشندگی و بازرگانی هستند. دوم اینکه تعداد کارگران (۲۴ درصد) و کارمندان (۲۲/۵ درصد) تقریباً باهم برابرند. کمترین تعداد (۷۵٪ درصد) دوانی‌ها در مشاغل مربوط به نیروهای مسلح است. تنها سه درصد رؤسای خانوار دوانی‌ها پزشک، استاد دانشگاه و مهندس هستند (باید توجه داشت که در اینجا فقط رؤسای خانوار مدنظر است و فرزندان آنها و دوانی‌های ساکن آمریکا و اروپا به حساب نیامده است). در میان کارگران مشاغل تولیدی بیشترین تعداد جوشکاران درجه یک هستند (۱۱۲ جوشکار) که عمدتاً در شیراز (۳۸ نفر)، کازرون (۲۵ نفر)، و قطر (۱۴ نفر) و کویت (۲۶ نفر) متمرکز هستند. اینان اغلب جوشکار خط لوله هستند و جوشکار دوانی همیشه در بین شرکتهای خط لوله از اهمیت زیادی برخوردار است.

همین جدول نشان می‌دهد که در ۴۲ درصد دوانی‌ها ساکن شیراز هستند و در جدول نامی از آبادان ساکن بوده‌اند و چون آمار حاضر مربوط به بعد از جنگ ایران و عراق است، لذا در جدول ستونی برای آبادان دیده نمی‌شود. بعد از شیراز بیشترین دوانی‌ها به ترتیب در دو شهر کازرون (۱۲ درصد)، تهران (۱۱/۵ درصد) ساکن هستند. جالب اینجاست که بعد از این سه شهر، درصد دوانی‌های مهاجر به سه کشور حوزه خلیج فارس از بقیه شهرهای ایران بیشتر است.

جدول ۳-۷ سابقه مهاجرت رئیس خانوار طبقات مختلف و فرزندان آنها در دوان، ۱۳۶۵

طبقه اجتماعی		رئیس خانوار				فرزندان					
		مهاجرت کرده		مهاجرت نکرده		۱-۲ فرزند		۳-۴ فرزند		۵ فرزند به بالا	
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
تولیدکننده مستقل	۶۳	۵۵	۴۵	۲۷	۲۲	۳۸	۲۳	۲۶	۲۳	۱۴	۱۲
کارگران	۴۴	۹۲	۸	۲۷	۷۷	۷۷	۶	۵	۱۰/۵	۰	۰
خدماتچیان و مصرف‌کنندگان	۱۷	۴۲/۵	۲۳	۵۷/۵	۲۴	۶۰	۱۰	۲	۵	۴	۱۰

از مقایسه دوانی‌ها مهاجر به سه کشور ابوظبی، قطر و کویت چنین بر می‌آید که اولاً تنها در کویت کارمندان مهاجر دوانی وجود دارد؛ ثانیاً، تعداد افرادی که در مشاغل فروشندگی و بازرگانی در کویت اشتغال دارند قابل مقایسه با دو کشور ابوظبی و قطر نیست؛ ثالثاً بیشترین کارگران دوانی در مشاغل تولیدی در قطر قرار دارند و کویت از این لحاظ درصد خیلی پایینی را داراست. در واقع دوانی‌هایی که در کویت هستند به علت مرحله توسعه کویت بیشتر در قسمت بازرگانی هستند، در حالی که چون دو کشور قطر و ابوظبی در مرحله گسترش فعالیت‌های ساختمانی هستند، کارگر مهاجر بیشتری را به خود جذب نموده‌اند. در ابوظبی بیشتر دوانی‌ها (۲۴ نفر) نجار ساختمانی هستند و در قطر ۲۰ نفر جوشکار و ۱۵ نفر برقکار دوانی مشغول به کار هستند. از این روست که گفته‌اند مقصد مهاجرت، نوع مهاجر را معین می‌کند.

دوانی‌های مهاجر از تحرك شغلی و تحرك جغرافیایی بالایی برخوردار هستند جدول ۵-۷ رابطه بین تحرك جغرافیایی و تحرك شغلی را برای دوانی‌های مهاجر نشان می‌دهد. بر اساس این جدول تعداد دوانی‌هایی که بعد از مهاجرت از دوان، تنها در يك مکان سکونت نموده‌اند تنها چهار درصد است، در حالی که ۳۸ درصد دوانی‌های مهاجر در دو شهر، ۲۰ درصد در سه شهر و ۳۸ درصد حداقل در چهار شهر سکونت نموده‌اند. از طرف دیگر تنها ۲۳ درصد دوانی‌های مهاجر پس از ترك دوان فقط يك شغل داشته‌اند، در حالی که ۴۰ درصد دارای دو شغل، ۱۶ درصد دارای سه شغل و ۲۱ درصد دارای چهار شغل به بالا بوده‌اند.

تحرك شغلی و مکانی مهاجران دوانی نشانه تلاش آنها برای درآمد بیشتر است. بیست و دو درصد دوانی‌های مهاجر دارای درآمد ۵۰۰،۰۰۰ ریال و کمتر هستند، چهل و شش درصد دارای درآمدی بین ۵۰۰،۰۰۱ تا ۱،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشند، سی درصد درآمدشان بین ۱،۰۰۰،۰۰۱ تا ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال متغیر است و بالاخره دو درصد دارای درآمدی بیش از ۵،۰۰۰،۰۰۱ ریال هستند. مهاجر دوانی با هر درآمدی که باشد، اگر دارای بستگان درجه يك (پدر، مادر، خواهر و برادر) در دوان باشد به آنها کمک مالی می‌نماید. طبق بررسی‌های پیمایشی ما، شصت و دو درصد دوانی‌های مهاجر دارای بستگان درجه يك در دوان هستند که از این مقدار ۳۶ درصد کمک مالی نمی‌نمایند، یازده درصد کمتر از ۱۰،۰۰۰ ریال کمک می‌نمایند، هشت درصد بین ۱۰،۰۰۱ تا ۳۰،۰۰۰ کمک می‌کنند، دو درصد کمک‌هایشان بین ۳۰،۰۰۱ تا ۵۰،۰۰۰

جدول ۷-۴ گروه‌های عمده شغلی و پراکنندگی جغرافیایی خانوارهای دوانی مهاجر در ایران و کشورهای حوزه فارس در سال ۱۳۶۵

شماره گروه	نام شهر یا کشور	گروه شغلی	اصفهان و شاهین شهر	اهواز	برازجان	بوشهر	تهران و حومه	چهرم	شیراز	کازرون	ماهشهر و جراحی	نورآباد	فیروزکوه	قطر	کویت	جمع کل	درصد
۱	کارکنان شاغل علمی و تخصصی		-	۵	-	-	۱۶	-	۱۷	۱	۲	-	-	-	-	۲۱	٪۳
۲	مدیران و کارمندان عالی رتبه		۱	۲	-	۲	۸	-	۱	-	-	-	-	-	-	۱۴	٪۱
۳	کارمندان		۹	۱۵	۳	۲۲	۶۴	-	۱۴۵	۱۶	۱۳	۱	-	-	۱	۳۰۲	٪۲۲/۵
۴	فروشنده‌گان و کارکنان بازرگانی		۱۴	۱۰	۲	۸۱	۳۰	-	۲۱۷	۵۴	۲	۱۸	۶	۱۴	۵۰	۴۸۸	٪۳۷
۵	کارکنان امور خدماتی		۲	-	-	۹۰	۲	-	-	۱	۱	۱	-	-	-	۱۶	٪۱
۶	کشاورزان و دامداران		-	-	-	۵	-	۷	۲	۴	-	-	-	-	-	۱۸	٪۱/۵
۷	کارگران شاغل تولیدی		۹	۱۰	۳	۶	۷	-	۱۱۰	۷۵	۱۱	۶	۲۸	۴۹	۵	۳۱۹	٪۲۴
۸	رانندگان وسایل نقلیه		۱	۳	-	۲	-	-	۴	۱۰	-	-	۱	-	-	۲۱	٪۱/۵
۹	کارکنان نیروهای مسلح		۱	-	-	۵	-	-	۳	-	-	-	-	-	-	۹	٪۰/۷۵
۱۰	کارکنان و شاغلان ناشناس		-	-	-	۲	-	-	۲	-	-	-	-	-	-	۴	٪۰/۷۵
۱۱	اظهار نشده		۲	-	-	۳	۲۶	-	۶۱	۲	-	-	-	-	۱	۹۹	٪۷/۵
۱۲	جمع کل		۳۹	۴۵	۸	۱۳۷	۱۵۴	۷	۵۶۲	۱۶۳	۲۹	۲۶	۳۸	۶۴	۷۰	۱۳۴۱	٪۱۰۰
۱۳	درصد		٪۳	٪۳/۵	٪۰/۵	٪۱۰	٪۱۱/۵	٪۰/۵	٪۲۲	٪۱۲	٪۲/۵	٪۲	٪۲/۵	٪۵	٪۵	٪۱۰۰	

منبع: تحقیقات پیمایشی پژوهشگر.

جدول ۷-۴